في الدنيا فلاح اي بقا ونجاح پيروزي وبرآمد حاجت    قوله ايا ها الى يعنى از

اول عنوان تا اينجا خوانده شود هم در صباح وهم در مسا اگرچه در بعضى ادعيه سابقه
خواندن در صباح است فقط وخواندن در مسا فقط نيز مذكور است وليكن گفته شود
در شبانگاه بجاى اصبح لفظ امسى را وبجاى هذا اليوم لفظ هذه الليلة را لفظ
الليلة مرفوع است كه نايب فاعل است ودر بعضى نسخ بجر است بنا بر حكايت وبجاى
تذكير ضمير تانيث ضمير را وبجاى النشور لفظ المصير را چنانكه نوشته ايم پس خرد را كه
مذكوره الفاظ مستوره را با لالى هر كلمه قوله ونيز ادا الخ يعنى در معجم كبير طبرانى مرويست
ابن مسعود رضى الله عنه اين كه زياده كرده شود در شبانگاه فقط در ادعيه شبانگاهى
بعد از خواندن امسينا وامسى الملك لله والحمد لله اين را كه اعوذ بالله الذى
يمسك الخ يعنى پناه ميجويم بخداى كه نگاه ميدارد آسمان را از افتادن يا براى
كراهت افتادن يا براى اين كه نيفتد بر زمين مگر در جائيكه مقرون باشد افتادن
آسمان باراده وحكم خدا پس الا باذنه استثناى است مفرغ از اعم احوال از
سنر وبدى خير كه موجود كردانيدست آنرا بر وفق تقدير شامل است جميع موجودات
وآفريده است ذريت را كه نسل جن وانس است پراكنده كرده است آنرا پس ذرء
تخصيص است بعد از تعميم وآفريده است ذوات ارواح را اى جميع حيوانات را و بيان
وتخصيص اين زياده بوقت مسا براى آنست كه درين وقت تردد وانتشار
دزدان وحشرات الارض بسيار است قوله ونيز ادا در الصباح فقط الخ يعنى
در مصنف ابن ابى شيبه مرويست از عبد الرحمن ابن ابزى رضى الله عنه
اين كه زياده كرده شود در ادعيه صباح فقط صباح بعد از خواندن اصبحنا واصبح
الملك لله اين قول را والكبرياء والعظمة لله يعنى بزرگى ذاتى وعظمت

صفا

صفاته خاصه خدا است در حديث قدسى است الكبرياء ردائى والعظمة
ازارى فمن نازعنى فيهما قصمته اى اهلكته وهمچنين خلق اى موجود وتدريج دادن
مخلوق آنكه موجود بكلمه كن است در شب وروز وما يضحى كبر ضحى اى وچيزى كه
ظاهر شود در وقت ضحوة در مجموع شب وروز في الجملة براى آنكه اين وقت
ضحوة در شب نيست مانند يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان اى از مجموع بحرين زيرا كه
لؤلؤ خارج نميشود مگر از درياى شور خاصه خدا است كه واحد است منفرد در ذات
لا شريك له است در صفات پس قوله لله خبر كبريا ومعطوفات اوست قوله
اللهم اجعل يعنى بارخدايا بگردان خير اول اين روز را صلاح كه بتوفيق تو در ان خير
نيت اعمال صالح كنم ووسط اين روز را فلاح كه آن اعمال موافق نيت بجا آرم
وآخر اين روز را نجاح كه بحفظ تو آن اعمال از شائبه ريا خالى بوده خالص براى
تو گردانم تا بمطلب خود كه حصول رضاى تست برسم يا صلاح كه صرف آن در
طاعات كنم وفلاح وظفر بر حصول حاجات ونجاح ونجات از آفات يا
صلاح براى دين من كه در زمره صالحان باشم وفلاح وفوز بمطالب دنيوى كه مايه
سعادت اخروى شود ونجاح كه موجب نجات من از آفات باشد در آخرت
وفوز بجنت در روايتى است اوسطه نجاحا وآخره فلاحا يعنى در سلك جماعه كه
گردن شان اين فرموده اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون منسلك
شوم لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَمِنْكَ
وَإِلَيْكَ اللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ مِنْ حَلِفٍ أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ
فَمَشِيئَتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ مَا شِئْتَ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ مَا صَلَّيْتُ

Copyright King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)